

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

تقدیم به

روح ملکوتی قیام کننده برای خدا

خمینی (ره)

و معصومه بیدار

«مادری» که زندگیش را وقف من نمود

امام خمینی^(ره) و مسئله «حفظ نظام»

چالش عملی حفظ نظام اسلامی با موازین دینی

میر کاظمی سعیدی

دانش آموخته دانشگاه امام صادق (علیه السلام)



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: امام خمینی (ره) و مسئله «حفظ نظام»: چالش عملی حفظ نظام اسلامی با موازین دینی

تألیف: رحیم کازرونی سعدی

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

ویراستار ادبی: مریم السادات اتفاقی فر

صفحه آرا و طراح جلد (یونیفرم): محمد روشنی

نمایه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۱۸۵/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۴۸۱-۲

این اثر دارای مجوز انتشار به شماره ۱۲۸۵ از مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) می باشد.

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

E-mail: press@isu.ac.ir • www.ketabesadiq.ir • فروشگاه اینترنتی:

سرشناسه: کازرونی سعدی، رحیم، ۱۳۶۴-
عنوان و نام پدیدآور: امام خمینی (ره) و مسئله «حفظ نظام»: چالش عملی حفظ نظام اسلامی با موازین
دینی / تألیف: رحیم کازرونی سعدی.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری: ۳۵۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۴۸۱-۲
موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. -- دیدگاه
درباره جمهوری اسلامی
موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. -- دیدگاه
درباره همبستگی
موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. -- دیدگاه
درباره اسلام و دولت
موضوع: همبستگی -- ایران
موضوع: اسلام و دولت -- ایران
موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸-
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ک ۱۶ ف ۶۵ / DSR ۶۵
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۴۴
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۵۱۹۶۸

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۹
مقدمه	۱۱
فصل ۱. کلیات پژوهش	۱۵
۱-۱. مقدمه	۱۵
۲-۱. مفاهیم پژوهش	۲۶
۱-۲-۱. حفظ نظام (جمهوری اسلامی ایران)	۲۶
۲-۲-۱. مصلحت نظام	۲۹
۳-۲-۱. محتوای نظام / اصول‌گرایی نظام	۳۳
۳-۱. سابقه پژوهش	۳۸
فصل ۲. گزاره‌های لفظی امام‌ علیه السلام درباره «حفظ نظام» جمهوری اسلامی	۴۷
۱-۲. حفظ نظام: در رأس واجبات و امور	۴۸
۱-۲-۱. تعبیر «حفظ نظام اوجب واجبات است»	۵۲
۲-۲. حفظ نظام: از مهم‌ترین واجبات و امور	۵۳
۳-۲. حفظ نظام: یک فریضه و تکلیف همگانی	۵۴
۴-۲. حفظ نظام: مجوز عبور از محدوده‌های قانونی و شرعی	۵۵
۵-۲. حفظ نظام: حفظ اسلام و مسلمین	۶۱
جمع‌بندی	۶۵
فصل ۳. عمل و تصمیم‌گیری امام‌ علیه السلام برای «حفظ نظام»	۶۹
۱-۳. مقطع استقرار و تثبیت نظام	۷۰
۱-۳-۱. بحث قانون اساسی و مجلس مؤسسان	۷۲

۳-۱-۲.	اولویت استقرار روند سیاسی و حفظ امنیت ملی	۸۱
۳-۱-۳.	تعامل با بنی صدر	۸۵
۳-۱-۴.	حل و فصل مسئله گروگان‌های آمریکایی	۹۹
۳-۲.	مقطع جنگ تحمیلی و اداره کشور و جامعه	۱۰۲
۳-۲-۱.	اولویت مسئله جنگ	۱۰۴
۳-۲-۲.	سازوکار فقهی و نهادی برای عمل به لوازم حفظ نظام	۱۰۶
۳-۲-۳.	پذیرش قطعنامه ۵۹۸	۱۱۴
	جمع‌بندی	۱۱۸
فصل ۴. مبادی و ادله اهمیت «حفظ نظام» در اندیشه امام (ره)		
۴-۱.	حفظ و اجرای اسلام: مستلزم حکومت اسلامی	۱۲۴
۴-۲.	ضرورت کلی امر حکومت در جامعه اسلامی	۱۳۵
۴-۳.	قاعده فقهی «حفظ نظام»	۱۳۷
۴-۴.	قاعده بیضه الاسلام	۱۴۶
۴-۵.	قاعده اهم و مهم	۱۵۱
۴-۶.	قاعده مصلحت	۱۵۴
۴-۷.	شرایط زمان و مکان؛ نمایندگی جمهوری اسلامی برای گفتمان ناب اسلامی در ایران و دنیا	۱۶۱
	جمع‌بندی	۱۷۱
فصل ۵. اولویت «اصول نظام» در مکتب امام (ره)		
۵-۱.	حفظ مکتب: بالاتر از حفظ نظام	۱۷۷
۵-۲.	اصالت «تکلیف» و عدم اهمیت نتایج ظاهری	۱۸۱
۵-۳.	تأکید مطلق بر اجرای بی‌ملاحظه احکام و حدود اسلامی	۱۸۶
۵-۴.	اصول‌گرایی انقلابی و حداکثری امام (ره)	۱۹۳
۵-۵.	سیاست خارجی امام (ره)	۲۰۲
۵-۶.	اسلامیت نظام: اهم واجبات	۲۱۷
	جمع‌بندی	۲۱۸
فصل ۶. رابطه و چالش «حفظ نظام» و «اصول نظام» در منطق امام (ره)		
۶-۱.	حفظ نظام و اصول نظام: در کنار هم و مکمل همدیگر	۲۲۱

۲۲۶	۲-۶. حفظ نظام و اصول نظام: در تراحم با همدیگر.....
۲۲۸	۱-۲-۶. تراحم کلی با اسلامیت نظام.....
۲۳۱	۲-۲-۶. تراحم جزئی با اسلامیت نظام.....
۲۳۶	۳-۲-۶. تراحم با احکام یا اصول اسلام.....
۲۴۲	۴-۲-۶. پاسخ‌های اجمالی.....
۲۴۸	جمع‌بندی.....
۲۵۳	فصل ۷. آرای طرح شده در محور چالش حفظ نظام و اصول‌گرایی آن.....
۲۵۳	۱-۷. مقدمه: برداشت‌های «عرفی» برون‌دینی از نظرات امام علیه السلام
	۲-۷. اجرای احکام شرع: مقدم بر حفظ نظام اسلامی، حفظ نظام اجتماعی و کیان اسلامی: مقدم بر اجرای احکام.....
۲۵۵	۱-۲-۷. مقاله «حفظ نظام».....
۲۵۸	۲-۲-۷. سنت معصومین علیهم السلام و آرای فقهای سلف در بیان مقاله «حفظ نظام».....
۲۶۵	۳-۲-۷. ارزیابی مقاله.....
۲۶۷	۴-۲-۷. مطالب هم‌راستا.....
	۳-۷. حفظ نظام اسلامی: مقدم بر اجرای احکام اسلام و برخی مصالح دیگر، با این قیود.....
۲۶۸	۴-۷. درجه‌بندی مصالح در حکومت اسلامی / ضوابط مصلحت.....
۲۷۹	۵-۷. دوگانه‌نویسی و مبهم‌گویی: هم اصالت حفظ و مصلحت نظام، هم اصالت عمل به اصول و احکام اسلام.....
۲۸۵	۶-۷. بُردن کلیت احکام شرع زیر سایه بحث حکومت.....
۲۸۹	۷-۷. توجه دادن به اصل صورت مسئله (دغدغه مصلحت و حقیقت...)
۲۹۳	۸-۷. حوزه سیاست خارجی.....
۲۹۵	جمع‌بندی.....
۳۰۹	فصل ۸. جمع‌بندی نقاط اصلی چالش.....
۳۱۵	۱-۸. تشریح صورت مسئله به لحاظ نظری و تاریخی.....
۳۱۶	۲-۸. لزوم حل مسئله در چارچوب منحصر دیانت و فقاہت اصیل اسلامی.....
	۳-۸. محدود کردن دلالت ظاهری بیانات حضرت امام علیه السلام درباره حفظ نظام به چارچوب مسلمات مورد اجماع دین و فقه (محکّمات اندیشه امام علیه السلام).....
۳۱۷	

۴-۸. مشخص کردن معنا و دایره بحث «احکام»، که در کلام حضرت امام رحمته الله بحث حفظ و مصلحت نظام بر آن‌ها مقدم دانسته شده	۳۲۰
۵-۸. روشن کردن بحث تفکیک «فروع» و «اصول» در دین و فقه و مرزهای این دو	۳۲۰
۶-۸. تنقیح بحث احکام اولی و ثانوی دین، نسبت اختیارات حاکم اسلامی و مفهوم «مصلحت» با آن‌ها	۳۲۱
۷-۸. تبیین دایره کاربرد احکام ثانوی در حکومت، در نسبت با مصالح و احکام عالی و اهمّ دین	۳۲۳
۸-۸. تدوین حتی الامکان ضوابط و شاخص‌هایی دیگر برای معادله تراحم حفظ نظام؛ تبیین ملاکات اهمیت مصالح و احکام در دین و فقه	۳۲۵
۹-۸. تبیین بیشتر اولویت‌های ناظر به معادله تراحم فوق در کلام و سیره رهبری امام رحمته الله	۳۲۷
۱۰-۸. بررسی جامع‌تر سیره حکومتی و سیاسی معصومین علیهم السلام	۳۲۷
۱۱-۸. تنقیح و بازتعریف مسئله فقه حکومتی و تحولات در گفتمان اجتهادی فقه	۳۲۸
نتیجه‌گیری	۳۳۱
فرضیات حاصله	۳۳۶
منابع و مأخذ	۳۳۹
نمایه	۳۴۹

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «ترکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی -

پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) باتوجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و.... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

پایه کتاب حاضر، در اصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «نظریه حفظ نظام در اندیشه و سیره سیاسی امام خمینی (ره)» بوده است که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه امام صادق (ع) مورد دفاع واقع شد و البته متن حاضر، به کلی متفاوت از نسخه دفاع شده است. «حفظ نظام» تعبیری در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی ایران است که برخاسته از برخی کلمات حضرت امام خمینی (ره) در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد، با مضمون تأکید بر ضرورت و اهمیت بالای حفظ و بقای جمهوری اسلامی به‌خصوص در نسبت با مهمات و واجبات سیاسی – دینی دیگر کشور. جملات خاصی که امام (ره) در باب اولویت بالای حفظ این نظام، در مقاطع حساس مشکلات کشور ایراد کردند، منشأ برخی بحث‌های تئوریک و چالشی در باب نسبت اهمیت این مقوله با ضرورت پابندی نظام اسلامی به اصول و احکام اعتقادی خود نیز شد؛ بحث‌هایی که هنوز به‌شدت مجمل و بدون پرداخت نظری باقی مانده و همین‌طور دستخوش عمل‌گرایی و ابهام در دوره‌های مختلف واقع گشته است.

دغدغه این مسئله کلان که بر حجم عظیمی از مسائل و ابتلائات مختلف جمهوری اسلامی به‌خصوص در تزامن «حقایق» ارزشی و «مصالح» ابزاری سایه افکنده، بخشی از انگیزه نگارش این کتاب است.

بخش اول پژوهش، به استخراج سخنان امام (ره) و برخی موارد سیره عملی

ایشان در زمان رهبری نظام مبنی بر اهمیت و اولویت بالای حفظ نظام جمهوری اسلامی می‌پردازد. گزاره‌های مختلفی که امام علیه السلام در باب اهم بودن حفظ نظام خطاب به مسئولین و اقشار مختلف آورده و مقاطع گوناگونی که ایشان استقرار و امنیت جمهوری اسلامی را بر مصالح دیگر ترجیح می‌دادند، بحث مصطلح حفظ نظام به این معنا را برای اولین بار در ادبیات پژوهشی کشور تشریح می‌کند. به دنبال آن هم مبانی و ادله دینی، عقلی و فقهی و اهمیت این بحث در نزد امام راحل علیه السلام مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اما بخش دوم کتاب وارد بحث چالش حفظ نظام اسلامی با الزامات دینی و شرعی آن در عمل می‌شود. البته محتوای اسلامی نظام ما با حفظ و بقای آن در بلندمدت، رابطه‌ای مثبت و مکمل در اندیشه حضرت امام علیه السلام دارد. اما تراحمات عملی آن‌ها هم در بسیاری مواقع گریزناپذیر و تجربه شده است؛ به خصوص با ملاحظه «گستره» مصالح ظاهراً ملازم با حفظ نظام در ابعاد مختلف عملکردی آن. با اینکه حضرت امام علیه السلام در برخی سخنان و نامه‌های مهم‌شان، سخن از تقدّم حفظ نظام و مسئله حکومت اسلامی بر احکام شرع اسلام – و بلکه هر امر دیگری – کرده بودند، اما ما در این کتاب نشان می‌دهیم که در قول و عمل ایشان، در بسیاری مواقع، این تقدّم ظاهراً به رابطه‌ای عکس خود تبدیل می‌شود و پایبندی جمهوری اسلامی به موازین دینی و شرعی در سیاست داخلی و خارجی، اهمیتی بالاتر نزد ایشان پیدا می‌کند.

از اینجا کتاب وارد بحث‌های عمیق‌تری می‌شود تا ابعاد این معادله چالش‌برانگیز را به خوبی بشکافد و اینکه چه سؤالات و پاسخ‌هایی در مسیر حل تناقضات ظاهری میان دو دسته کلمات و رفتارهای حضرت امام علیه السلام در باب اهم بودن حفظ نظام یا اهم بودن حفظ اسلامیت نظام و موازین مکتبی آن به وجود می‌آید؟ بخشی از این محورها را خود این کتاب تشریح و تنقیح می‌نماید و بخشی را هم از آرای پراکنده محققین مختلف کشور در لابه‌لای کتب و مقالات استنباط می‌کند. منتها ما با بررسی انتقادی این آرا پی به این خواهیم برد که هنوز اجمال و نقص زیادی بر ادبیات موجود غالب بوده و

خیلی از خلأهای بحث به صورت ناپخته و بی جواب باقی مانده است. کتاب در انتها با جمع بندی بیشتری از مجموع مباحث، برخی از این خلأها را تا حدی، صرفاً برای تعمق تئوریک بیشتر تبیین می کند.

همچنین محورها و فصل بندی این پژوهش در ذیل سؤالات تحقیق در فصل کلیات بیشتر بازگویی خواهد شد.

این کتاب ورودی ابتدایی در بحثی مهم است. چه بحث حفظ نظام و چه بحث چالش عملی آن با اصول گرایی نظام اسلامی در اندیشه بنیان گذار انقلاب اسلامی. نگارنده به هیچ وجه توان و ادعای حل و فصل جامع چالش دومی را نداشته و مجموع بحث های تفصیلی او همچنان در حد شکافتن ابعاد مسئله و برخی دریچه های رسیدن به پاسخ نهایی است. پاسخ نهایی نیازمند بحث های مفصل درون دینی و فقهی است که این کتاب لااقل آن ها را از سطح اجمال کنونی به سطح تفصیل، بسیار نزدیک تر کرده است.

امید است که لااقل در حد طرح مسئله، کارمان را به خوبی انجام داده، نگاه های مخاطبین را به سمت رسالت تکمیل چنین افق جامع و دشواری جلب نموده باشیم.

جای مباحث دیگری نیز در کتاب خالی است که بعضاً در ادامه متن و در پاورقی های مربوطه گفته خواهد شد، از جمله کمبود بررسی مصادیق تاریخی بحث چالش گفته شده یا عدم شاخص بندی بحث «مصلحت» های مرتبط با حفظ نظام. این کتاب جای آن را داشت که مسئله گسترده و چالش برانگیز «مصلحت» در فضای نظام جمهوری اسلامی را به نحوی منسجم پوشش دهد. زیرا بسیاری از «مصلحت گرایی» هایی که در این فضا آرمان ها و احکام دینی نظام را ظاهراً دستخوش تنزل قرار می دهند، یک رشته اتصال عمده با بحث حفظ نظام سیاسی کشور دارد. ما در این کتاب صرفاً به صورت موردی، به برخی از این مصلحت ها اشاره می کنیم.

همچنین تمرکز کتاب روی ادبیات مکتوب و نپرداختن به مصاحبه های حضوری و شفاهی با صاحب نظران یا دست اندرکاران جمهوری اسلامی در

طول سال‌های پس از انقلاب که حرف‌های مهمی در باب مسائل مورد نظر ما دارند، یکی دیگر از نواقص این کار است که قطعاً در تکمیل چنین پژوهش‌هایی بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

تمامی بیانات ثبت شده حضرت امام خمینی رحمته الله در «صحیفه امام» و باقی آثار ایشان، غالب ادبیات تفسیری اندیشه‌های امام رحمته الله و بسیاری آثار و مقالات دیگر به زبان فارسی که حاوی دلالت‌هایی قابل توجه در موضوع بحث ما بوده، مورد رجوع مفصل این کتاب قرار گرفته است. اگر نقیصی در این محل باشد، بیشتر به واسطه ضعف امکان جست‌وجوی «موضوعی» در منابع مربوطه بوده است. ممکن است احياناً - و قطعاً استثنائاً - بحثی مهم درباره حفظ نظام به معنای مورد نظر ما در یکی از آثار مکتوب کشورمان وجود داشته باشد که از دید این پژوهش به دور مانده، ولی حداقل این اطمینان داده می‌شود که جست‌وجوی ما در ادبیات موجود با حوصله و تلاش زیادی صورت گرفته است.

ضمناً با توجه به اتمام نگارش کتاب در سال ۹۲، تعداد محدودی مقالات پژوهشی ناظر به موضوعات مورد توجه ما پس از این زمان نگاشته شده که اینجانب صرفاً اشاره‌ای کوتاه به آنها در متن یا پاورقی نموده‌ام. و البته همان‌ها نیز مقالات ارزشمندی می‌باشند.

در پایان از اساتید دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق رحمته الله، به خصوص آقایان دکتر جلال درخشه، استاد راهنمای پایان‌نامه اینجانب، دکتر ناصر جمال‌زاده و دکتر ابوذر گوهری مقدم تقدیر ویژه می‌نمایم. ضمن تقدیم مذکور این اثر به روح مطهر حضرت امام رحمته الله، ان شاء الله که اجری از تلاش حقیرانه ما، نثار روح پدر معنوی همه‌مان، حضرت آیت الله مهدوی‌کنی (رضوان الله علیه) واقع گردد که رویمان در مسیر تولید علم دینی، همواره در محضر آن بزرگوار شرمنده بود و هست.

الحمد لله رب العالمین

رحیم کازرونی سعدی

تابستان ۱۳۹۶



کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها حکومت دینی جهان معاصر مولود اندیشه و سیره سیاسی امام خمینی علیه السلام می باشد که پس از گذر بیش از سه دهه از عمر خود با چالش های مختلفی روبه رو بوده است. این چالش ها یا در سطوح خرد و عملیاتی و در حیطه های مشخصی شکل گرفته است، همچون چالش های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره که نظام و دستگاه های مختلف حاکمیتی با آنها دست و پنجه نرم می کرده اند، یا چالش هایی که در سطح کلان و در حوزه مبانی تئوری پردازی و سیاست گذاری کلی نظام جریان داشته و البته کمتر از چالش های ملموس دسته اول مورد بحث و بررسی مستقل قرار گرفته اند. از جمله این مسائل – که به یک معنا مهم ترین و بنیادی ترین مسئله نظام جمهوری اسلامی بوده است – بحث خود نظام و حفاظت از اصل بقای نظام در مقابل بحران های مختلف داخلی و خارجی بوده است و به خصوص این مسئله که نظام جمهوری اسلامی در مسیر عمل به ارزش های مبنایی خود، تا چه حد و چگونه باید به فکر حفظ شاکله خویش و دفع تهدیدات و بحران هایی باشد که به خاطر پابندی به این ارزش ها برای او به وجود آمده است.

«حفظ نظام» مفهومی است که در ادبیات سیاسی کشور ما برگرفته از

برخی سخنان حضرت امام (ره) در دهه اول پس از انقلاب محسوب می‌شود و اهمیت و برجستگی خود را از کلام امام (ره) وام گرفته است. در یکی از مهم ترین این سخنان، حفظ نظام جمهوری اسلامی اهم واجبات شمرده شده است و در برخی فرمایشات حکومتی ایشان خطاب به مسئولین کشور، ضرورت حفظ نظام و مصالح ملازم با آن مجوزی دانسته شده برای نقض پاره ای - و به روایتی مطلق - احکام و چارچوب های شرعی مورد قبول نظام در عمل. این گونه مضامین در سخنان رهبران دیگر انقلاب و سیاسیون زمان امام (ره) و بعد از ایشان هم ادامه یافته و کم کم حالت یک «گفتمان» را به خود گرفته است؛ گفتمانی که حفظ نظام جمهوری اسلامی را نه تنها یک وظیفه مسلم دینی، بلکه در مجموع دارای اولویت و اهمیتی فراتر از بسیاری واجبات و اولویت های دیگر نظام جمهوری اسلامی قرار می دهد و آن را به مثابه دغدغه ای «اهم» برای پیروان انقلاب اسلامی می شناساند.

بحران های مختلفی که در طول سال های استقرار جمهوری اسلامی برای نظام پیش آمده، همواره این گفتمان را تقویت می کرده است. مهم ترین آن جنگ نظامی مستقیم هشت ساله در دهه اول است که نظام نوپای ایران مستقیماً در معرض خطر اضمحلال قرار گرفت. بحران های امنیتی ابتدای انقلاب، بحران های منطقه ای خاورمیانه که چالش مهمی برای امنیت ملی نظام به شمار می رفته، تهدیدات نظامی آمریکا و اسرائیل به خصوص در دهه اخیر، بحران های سیاسی داخلی در سال های ۷۸ و به ویژه ۸۸ بعد از انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم که تا آستانه تهدید ثبات و موجودیت نظام پیش رفت، از نمونه دیگر رخدادهایی هستند که حفظ نظام را به کانون دغدغه ها و سخنان رهبران و دلسوزان انقلاب اسلامی تبدیل می کرده است. به طوری که رهبر فعلی انقلاب نیز در سالگرد رحلت حضرت امام (ره) در سال ۱۳۸۹ در مرقده آن بزرگوار و پس از حوادث آن زمان، مجدداً این تأکید کلام امام (ره) را که حفظ نظام اهم واجبات است، مورد یادآوری قرار دادند (رجوع شود به: <http://www.leader.ir/languages/fa/index.php?p=bayanat&id=6893>).

ایشان در مواضع متعدّد دیگری طی سال‌های رهبری خود، اهمیت حفاظت از کیان نظام جمهوری اسلامی و بلکه اقتدار ظاهری آن را تکرار نموده‌اند، به طوری که می‌توان گفت میان این دو بزرگوار در مسئله اهمیت حفظ نظام و ضریب تکرار این مضمون در سخنان ایشان – جدا از مسئله نسبت آن با مبانی ارزشی نظام – تفاوت چندانی وجود ندارد.

در کنار تهدیدات ملموس فوق، بایستی از پتانسیل‌های تنش، شکاف و نارضایتی در درون جامعه – به واسطه چالش‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی – به عنوان منبع تهدید دیگری برای حفظ نظام اسلامی سخن گفت که توجه بدان همواره یکی از دغدغه‌های گفتمان مورد اشاره بوده است. هدف اولیه این نوشتار به طور مشخص این است که جایگاه مفهوم حفظ نظام را در اندیشه سیاسی ایدئولوگ نخستین انقلاب – حضرت امام خمینی (ره) – مورد بررسی قرار داده، مصادیق اهمیت و برجستگی آن در کلام و عملکرد ایشان را روشن نماید. که به تعبیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، «خط امام (ره)» بهترین شاخص برای ادامه مسیر انقلاب، و مکتب سیاسی امام (ره) مایه اصلی نظام جمهوری اسلامی است (رجوع شود به:

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=6893>

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=2747>

اما با این حال می‌دانیم که امام خمینی (ره) در درجه اول شخصیتی سیاست‌پیشه و قدرت‌مدار نبوده است. وجود و بقای نظام سیاسی – حتی از نوع اسلامی اش – قطعاً برای امام (ره) امری متفاوت از دلبستگی‌های مرسوم حفظ حکومت در نزد غالب دولتمردان دنیاست. ایشان شخصیتی ابتداءً دین‌مدار و اصول‌گرا و همه دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی‌شان برخاسته از نگاه کلان دینی و الهی ایشان به زندگی فردی و جمعی بود. مسئله‌ای که در وهله بعد، این اثر به دنبال بررسی آن است، ارتباط ایده «حفظ نظام» با نظام کلی اندیشه‌ای حضرت امام (ره) می‌باشد. قطعاً موضوعیت این ایده در اندیشه امام (ره) به واسطه دلایل محکمی بوده که در افق ذهنی ایشان جای داشته است و عمده این دلایل، دارای مبنای دینی، فقهی و عقلی می‌باشد.

در منطق کلی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در جای خود ثابت شده که همه اصالت و اهمیت بحث تشکیل حکومت، به اهداف اسلامی و نهایتاً غیرمادی برمی‌گردد. همچنین در جای‌جای کلام و سیره عملی امام علیه السلام تأکیدات پیوسته و محکمی بر اهمیت این اهداف و خطوط قرمز عقیدتی حکومت وجود دارد که به نظر می‌رسد آن اهمیت مطلق ظاهری را که ایشان در بعضی موارد برای حفظ نظام اسلامی قائل شده‌اند، در چنین مواضعی این اهمیت را از اطلاق می‌اندازند و آن را تحت‌الشعاع دستور کار محتوایی نظام قرار می‌دهند.

سؤالاتی که در اینجا به وجود می‌آید، مرتبط با بخشی از چالش‌ها و معضلات به وجود آمده برای نظام جمهوری اسلامی در طول سال‌های بعد از انقلاب و از جمله حیات امام علیه السلام محسوب می‌شود. اینکه دقیقاً فلسفه وجود و بالتبع حفظ نظام جمهوری اسلامی در نزد امام خمینی علیه السلام شامل چه اهدافی بوده است؟ حیات این نظام فارغ از میزان پیشبرد اهداف آن در عمل، چقدر فی‌نفسه اصالت و اهمیت داشته است؟ آیا حفظ نظام اسلامی در همه شرایط یک اصل و اولویت بوده یا ممکن است در برخی حالات و نسبت به برخی ارزش‌های دیگر از درجه اولویت و اعتبار ساقط شود؟ به عبارتی حد و حدود مسئله «حفظ نظام» از دیدگاه امام راحل علیه السلام چه بوده است؟ و این مهم در ذهن ایشان تا چه حد تابع محاسبات ظاهری و ابزاری بقای حکومت‌ها بوده و تا چه حد گره خورده به ملاحظه ارزش‌های دینی و انسانی در عملکرد حکومت؟

با آنکه در ادبیات رسمی و سیاسی کشور در اغلب مواقع سعی می‌شده که بحث حفظ نظام جمهوری اسلامی در کنار اصول و ارزش‌های نظام به عنوان دو بحث مکمل و موازی همدیگر مطرح و از چالش این دو در عمل کمتر گفته شود، اما تاریخ حکومت‌داری بعد از انقلاب در کنار تجربیات فراوان دیگر نشان می‌دهد که تلاش حداکثری برای حفظ نظام سیاسی در عمل گاهی با پیگیری حداکثری اهداف محتوایی و ایدئولوژیک حکومت‌ها تعارض پیدا می‌کند و تأمین مصالح امنیتی حکومت در محاسبات

ظاهری نیازمند نقض پاره‌ای ارزش‌های مورد نظر آن حکومت در عملکرد پیش رویش می‌گردد. خط قرمزهای محتوایی این‌چنینی برای نظام جمهوری اسلامی مشخصاً شامل «ارزش‌ها» و «احکام» دین اسلام – به روایت شیعی معاصرش – بوده است. در مقابل تهدیدات مختلف امنیتی سی‌واندی سال اخیر که بعضاً در بالا ذکر آن‌ها رفت، دستگاه‌های این نظام گاه به ملزومات و ملاحظات در تأمین «مصلحت»‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور برمی‌خورند که در عمل با ارزش‌ها و احکام گفته شده چالش پیدا می‌کرد. هم، گستره تهدیدات و مصالح ذکر شده برای نظام وسیع و پیچیده بود و هم دایره محتویات اعتقادی نظام، شمول وسیعی از ارزش‌های فرهنگی، اخلاقی، معنوی و احکام عملی شریعت اسلام را دربر می‌گرفت. **چالش و همراهی این دو مجموعه**، مسئله‌ای در ورای بسیاری از مشکلات اجرایی و حقوقی جمهوری اسلامی در طول این سال‌ها بوده است.

بعضی از این مشکلات در تاریخ مدون انقلاب ثبت و تجزیه و تحلیل شده است، مثل مغایرت بعضی مصوبات نهادهای اجرایی و تقنینی نظام در دهه ۶۰ با احکام مصطلح فقه اسلامی؛ بعضی تا حدی و به‌خصوص از سوی ناظران بیرونی عملکرد نظام مورد اشاره بوده، نظیر اصطکاک برخی جهت‌گیری‌های آرمانی و انقلابی نظام با ملزومات تأمین امنیت و ثبات آن در حوزه سیاست خارجی، و برخی هم بیشتر در تحلیل‌های غیررسمی یا کمتر پرداخته شده مطرح گشته‌اند، مثل چالش اجرای برخی احکام و حدود اسلامی در داخل کشور – نظیر حجاب، برخورد با مفاسد مختلف اجتماعی و اقتصادی، مجازات سنگسار و غیره – با مصالح مورد اشاره، یا بحث مراعات صداقت و اخلاقیات اسلامی – انسانی در مواجهه با مردم و افکار عمومی، آنجا که امنیت نظام از سویی دیگر در معرض خطر بوده است و به‌طور کلی بسیاری از لایه‌های دیگر عمل به مطلوبات و الزامات دین مبین اسلام از سوی دستگاه‌های حکومتی نظام که در نگاه مجریان می‌بایست با ملاحظه لوازم ظاهری بقای نظام سیاسی و اجتماعی کشور در سطوح

مختلف پیگیری و احیاناً به نفع این لوازم، دچار تعدیل و توقف می‌شد.^۱ اکنون بعد از پشت‌سر گذاشتن این تجربیات، چالش مذکور همچنان در پیش روی نظام اسلامی باقی مانده است، به‌طوری‌که رهبری فعلی انقلاب شاید برای اولین بار به‌طور رسمی بحثی قریب به این را در سال ۱۳۹۰ در دیدار نمایندگان مجلس خبرگان رهبری - به‌عنوان سنگر نهادینه نظارت بر سلامت جهت‌گیری کلان نظام - مطرح نمودند؛ قریب، بدین‌خاطر که در این فرمایش بحث «حفظ نظام» مشخصاً ذکر نشده و مسئله در سطحی بالاتر یعنی هر آنچه به پیشرفت ظاهری عملکرد نظام در ابعاد عینی این دنیایی مربوط بوده، طرح شده است:

«یک چالش بزرگی همواره بر سر راه حفظ هویت این نظام وجود داشته است؛ الان هم وجود دارد، بعد از این هم خواهد بود. آن چالش عبارت است از چالش بین وفاداری و حفظ خطوط اصلی، یعنی اصول و مبانی نظام از یک طرف، و دستاوردهای پیشرفت مادی و معنوی برای نظام از طرف دیگر... خوب، عده‌ای ممکن است به این فکر بیفتند که پایبندی ما به اصول موجب شده است که ما به این اهداف دست پیدا نکنیم؛ ناکامی‌هایی در سطح اداره داخلی یا در سطح مسائل بین‌المللی ما را دچار مشکل کند. این چالش مهمی است. با این چالش باید هوشیارانه برخورد کرد» (رجوع شود به:

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=8556>).

غیر از قرائین دیگر، به دو دلیل مشخص می‌توان حفظ نظام را نیز در فحوای فرمایش فوق رهبر معظم انقلاب گنجانند:

۱. یکی از نواقص این کتاب همین است که به‌طور تفصیلی و متمرکز فرصت پرداختن به مشکلات تاریخی مزبور را پیدا نکرده است و صرفاً در بررسی سیره عملی امام علیه السلام در فصول ۳ و ۵ ردپای برخی مصادیق را به‌گونه‌ای اجمالی طرح نموده است. چنین مشکلاتی از زاویه نگاه این کتاب، خود یک عرصه تازه و پرمسئله تحقیقی است که قطعاً در ارائه یک چارچوب کلان تاریخی از چالش‌های مرتبط با حفظ نظام در طول سال‌های پس از انقلاب و حتی پس از امام علیه السلام بایستی مورد مذاقه قرار گیرد.